

پارادایم کثرت‌گرا امیدها و بیم‌ها

بهمن بازرگانی

پژوهشگر رابطه‌ی زیبایی و نابرابری



نشر اختران

توضیح معنای پارادایم در این نوشته

فهرست

- توضیح معنای پارادایم در این نوشته ۷
- درآمد ۱۱
۱. احترام افقی: امیدها و بیم‌ها ۱۳
۲. هویت و امنیت، بی تفاوتی و مدارا ۵۱
۳. فضای عمومی پارادایم کثرت و جذابیت‌ها و حساسیت‌های پارادایمیک ۶۱
۴. رسالت پایان‌یافته‌ی فلسفه‌های پست‌مدرن ۸۳

جذابیت آن‌ها نیز میلیت می‌شود. من این نوع دوران‌ها را پارادایم می‌نامم. پس پارادایم‌هایی که پژوهش من کم دوران‌هایی از زندگی اجتماع انسانی هستند که یک بسته (پکیج) شمه‌زیا دارند. دورانی را که پکیج شمه‌زیا نداشته باشد پارادایم نمی‌نامم. آن را دوره‌ی گذار یا فاز انتقالی (از یک پارادایم به پارادایم دیگر) درآمده از پارادایم پیشین و هنوز وارد نشده به پارادایم پسین) می‌نامم. نمونه: وضعیت پست‌مدرن به روایت من یک فاز انتقالی از پارادایم مدرن است به پارادایم در حال انکشاف کنونی که ترجیح می‌دهم آن را پارادایم کثرت بنامم. بسته‌ی شمه‌زیا همیشه ر در همه جای پارادایم هست و بر سمت و سوی حرکت‌ها، تلاش‌ها و توجه‌های ره‌انار سود و زیان‌و کارایی ساکنان آن پارادایم اثر می‌گذارد. برای بهتر دیدن این بسته می‌توان آن را مانند یک کانون یا مرکز جاذبه بگیریم که اندیشه و عمل رها از نبود و زیان و کارایی ساکنان پارادایم را به سوی خود می‌کشد و از این رو است که ما به هستی آن پی می‌بریم. پارادایم‌هایی که در کتاب ماژیس زیبایی

توضیح معنای پارادایم در این نوشته

کار من پژوهش در پدیده‌هایی است که آن‌ها را شبه‌زیبا می‌نامم زیرا همانند هر زیبا جذابند، جذابیتی رها از سود و زیان و کارایی. پدیده‌هایی که آن‌ها را شبه‌زیبا می‌نامم ذهنی یعنی وابسته به ذهن زیباشناس انسان‌ها هستند. و جذابیت آن‌ها همگانی‌ست یا کم‌و‌بیش همگانی‌ست. اما این جذابیت دورانمند است و با پایان آن دوران، جذابیت آن‌ها نیز دلیت می‌شود. من این نوع دوران‌ها را پارادایم می‌نامم. پس پارادایم‌هایی که پژوهش می‌کنم دوران‌هایی از زندگی اجتماع انسانی هستند که یک بسته (پکیج) شبه‌زیبا دارند. دورانی را که پکیج شبه‌زیبا نداشته باشد پارادایم نمی‌نامم، آن را دوره‌ی گذار یا فاز انتقالی (از یک پارادایم به پارادایم دیگر = درآمده از پارادایم پیشین و هنوز وارد نشده به پارادایم پسین) می‌نامم. نمونه: وضعیت پست‌مدرن به روایت من یک فاز انتقالی از پارادایم مدرن است به پارادایم در حال انکشاف کنونی که ترجیح می‌دهم آن را پارادایم کثرت بنامم. بسته‌ی شبه‌زیبا همیشه و در همه جای پارادایم هست و بر سمت و سوی حرکت‌ها، تلاش‌ها و توجه‌های رها از سود و زیان و کارایی ساکنان آن پارادایم اثر می‌گذارد. برای بهتر دیدن این بسته می‌توان آن را مانند یک کانون یا مرکز جاذبه بگیریم که اندیشه و عمل رها از سود و زیان و کارایی ساکنان پارادایم را به سوی خود می‌کشد و از این روست که ما به هستی آن پی می‌بریم. پارادایم‌هایی که در کتاب ماتریس زیبایی

(۱۳۸۱) بررسی کرده‌ام پارادایم‌های جهان‌روا (universal - "آشوری") هستند. در آن کتاب پارادایم‌های چندخدایی و تک‌خدایی و مدرن را از زاویه‌ی دید خاص و بسیار محدود بررسی کرده‌ام. یعنی تنها و تنها نقش مهمی را که بسته/پکیج شبه‌زیبا در سمت و سو دادن به اندیشه و رفتار ما در آن پارادایم بازی می‌کند بررسی کرده‌ام. در آن کتاب نشان داده‌ام که در هر پارادایم یک کانون یا مرکز جاذبه است که نگاه بومیان آن پارادایم را به سوی خود می‌کشد و گونه‌ای هم‌رأیی (consensus = unanimity، آشوری) رها از سود و زیان و کارایی در آن‌ها می‌آفریند که این هم‌رأیی - که پنهان است و ناپیدا - نقشی اساسی در کیفیت استدلال و زبان‌آوری آدم‌های هم‌اورد - چنان که در نمونه‌خوانی‌ها خواهیم دید - بازی می‌کند. در فاز انتقالی پست‌مدرن - به جهت آن‌که بسته/پکیج شبه‌زیبا ندارد یا هنوز هیچ بسته‌ای نتوانسته است بسته‌های هم‌اورد را سرکوب کند - نسبی‌باوری یا نسبییت‌باوری (آشوری) حاکم می‌شود اما چون همواره دوره‌ی گذار بسیار کوتاه‌تر از دوران‌های پارادایم‌ساز است نسبییت‌باوری نیز نمی‌پاید و با ورود به پارادایم نوین نگرانی از نسبییت‌باوری نیز دوام ندارد.

انکشاف بسته‌ی شبه‌زیبای هر پارادایم توپوگرافی (پست و بلند) خاصی به فضای پارادایم می‌دهد. منظور از پست و بلند، مناطق تهی یا سرشار از انرژی‌ست. این‌ها را داده‌های پارادایمیک می‌نامم و تفاوت این داده‌ها با داده‌های معمولی در این است که آن‌ها بی‌ارتباط با سود و زیان و کارایی‌اند و به همین جهت اذهان همه‌ی آدم‌های پارادایم را در تسخیر خود دارند. داده‌های پارادایمیک داده‌های معمولی نیستند. آن‌ها نقاط پُر (پرانرژی)، نقاط پوک (تهی از انرژی) و نقاط بینابینی‌اند. داده‌های پارادایمیک در درازنای پارادایم در اذهان بومیان پارادایم جا

خوش می‌کنند و با دگرگونی بنیادی آن‌ها یا با دلیلیت شدن آن‌ها آن پارادایم پایان می‌یابد. بررسی پارادایم‌ها ضرورت طرح پیش‌فرض‌های جدیدی را پیش می‌آورد که با آن‌ها درک از خودمان همچون موجودات شناور در متن طبیعت و نیز درک تحولات پارادایم‌ها همچون تحولاتی نه چندان متفاوت از تحولات طبیعی آسان‌تر می‌شوند. دگرگونی پارادایم‌ها با سرخوردگی از داده‌های پارادایمیک همراه است. در ایران پس از کودتای انگلیسی-امریکایی و زندانی کردن قهرمان ملی ایران (۱۳۳۲) سرخوردگی از فرهنگ و شیوه‌ی زندگی غربی شروع شد. سرخوردگی نشانه‌ی بالینی دگرگونی در ماتریس زیبایی است. (ماتریس زیبایی، ص ۶۸) جذابیت‌های همگانی پیشین با واقعیت نمی‌خوانند، جذاب یا برانگیزاننده نیستند. جذابیت‌های همگانی پیشین رفته‌اند و جذابیت‌های نوین در راهند. سرخوردگی با سردرگمی درآمیخته است. آن رفتن و این آمدن، در داده‌های پارادایمیک رخ می‌دهند و رای آگاهی ما.

«مباحث درباره‌ی پرسش‌های کلی فلسفی گرچه مسائل حاد سیاسی روز نیستند موجب کم‌اهمیت شدن آن پرسش‌ها نیز نیستند. وانگهی آنچه ما به‌عنوان پاسخ این پرسش‌ها در نظر می‌گیریم بر موضع‌گیری سیاسی ما و فرهنگ عمومی ما تأثیر می‌گذارد.»^۱

۱. ترجمه‌ی آزاد از کتاب لیبرالیسم سیاسی رالز (ص Lxi)